

بررسی شخصیت پیامبر (ص) از منظر قرآن کریم

پژوهشگران:

زینت طرانی ملا

مژده حاتمی

سمیرا محمودی زاده

پاییز ۱۳۹۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیده:

این نوشتار قصد دارد به بررسی شخصیت پیامبر اکرم(ص) از منظر قرآن کریم بپردازد. قرآن کریم متقن ترین و بهترین کتاب در معرفی و شناساندن پیامبر اعظم (ص) است. زیرا این کتاب کلام وحی و سخن خداوند متعال است و از جهت حقانیت و درستی مطالب، معتبرترین کتاب به شمار می رود. خداوند متعال در قرآن کریم در آیات متعددی درباره ی پیامبر اکرم(ص) سخن گفته است. در این آیات گاهی به طور مستقیم و گاهی به شکل غیر مستقیم پیامبر اکرم(ص) معرفی شده است.

این معرفی در قالب هایی همچون ستایش، و تمجید از پیامبر اکرم(ص)، بیان اوصاف و شئونات، ذکر مقامات و مناقب و بیان عظمت وحی آن حضرت صورت گرفته است.

آنچه ما در این مقاله می آوریم

ذکر فهرست وار این جلوه ها در آیات کریمه است که در شش بخش کلی، نام ها و اوصاف، اوصاف مشترک، مقامات، ویژگی های فردی، و سیاسی تنظیم شده است.

کلید واژه: پیامبر اکرم (ص)، شخصیت پیامبر ص، قرآن .

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
برخی اسامی پیامبر در قرآن.....	۲
اوصاف مشترک (خدا و پیامبر (ص)).....	۵
مقامات پیامبر.....	۵
- اسوه حسنه.....	۵
- خاتمیت.....	۷
- عصمت.....	۸
- علم لدنی.....	۹
- مانع نزول عذاب.....	۱۰
- مظهر محیی (حیات).....	۱۱
ویژگی های فردی.....	۱۲
- شرح صدر.....	۱۲
- عظمت اخلاقی پیامبر.....	۱۳
- عبادت.....	۱۳
- ساده زیستی و وارستگی از دنیا.....	۱۴
- رأفت و رحمت رسول اکرم (ص).....	۱۵
- توکل داشتن بر خدا.....	۱۶

ویژگی های اجتماعی.....	۱۶
- مهربانی و نرمش با مردم و عفو گناهکاران.....	۱۶
- مشاوره ی فکری و قاطعیت در انجام کار.....	۱۷
- دلسوزی شدید نسبت به هدایت مردم	۱۹
- شدت ارتباط پیامبر با مردم.....	۲۰
برخورد سیاسی.....	۲۰
- شدت عمل در برابر پیمان شکنان.....	۲۰
منابع.....	۲۳

این اختلاف تعبیر اشاره به این نکته مهم می کند و آن اینست بررسی و مطالعه ی مسائل اجتماعی باید به صورت دسته جمعی انجام شود. اما هنگامی که طرحی تصویب شد باید برای اجرای آن اراده ی واحدی بکار افتد در غیر اینصورت هرج و مرج پدید خواهد آمد. به همین جهت در دنیای امروز نیز مشورت را بصورت دسته جمعی انجام می دهند اما اجرای آن را به دست دولت هایی می سپارند که تشکیلات آنها زیر نظر یک نفر اداره می شود.

۳- دلسوزی شدید نسبت به هدایت مردم

« فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا » ۱۶ کهف

گویی میخواهی بخاطر اعمال آنان خود را از غم و اندوه هلاک کنی، اگر به این گفتار ایمان نیارند کلمه (بخوع و بخع) به معنای کشتن و هلاک کردن است. و آثار به معنای علامت و اثر قدمهای کسی است که از زمین نرم عبور کرده و کلمه ی (اسف) به معنای شدت اندوه است. و مراد این آیه همین قرآن کریم است^۱.

گاه این حالت اندوه به قدر شدید می شد که جان پیامبر (ص) به خطر می افتاد، و خدا او را دلداری می داد. در سوره شعراء آیات ۴۳ و ۴۴ می خوانیم « لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ » إِنْ نَشَأْ نُنْزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ:

گویی می خواهی خود را هلاک کنی که چرا ایمان نمی آورند، غم مخور ما آنها را آزاد قرار داده ایم و اگر بخواهیم آیه ای از آسمان فرو می فرستیم که گردن هایشان بی اختیار در برابر آنها فرود آید.

از آیات قرآن و تاریخ به خوبی می توان فهمید : که رهبران الهی به ویژه (پیامبر (ص)) بیش از آنچه تصور شود، از گمراهی مردم رنج می برند، به ایمان آنها عشق می ورزیدند از اینکه می دیدند: تشنه کامانی در کنار چشمه ی آب زلال نشسته اند و از تشنگی فریاد

می کشیدند، ناراحت بودند، اشک می ریختند، دعا می کردند، شب و روز تلاش و کوشش داشتند، در نهان و آشکار تبلیغ می کردند. در خلوت و اجتماع فریاد می زدند، و از این که

^۱ تفسیر المیزان / ج ۲۶ / ص ۴۶ و ۴۷

مردم راه روشن و راست را گذارده، به بی راهه می رفتند، غصه می خوردند، غصه ای جانکاه که گاهی آنها را تا سرحد مرگ پیش می برد.

و راستی تا چنین نباشد «رهبری» در مفهوم عمیقش پیاده نخواهد شد!^۱

شدت ارتباط پیامبر با مردم

(لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ)

توبه ۱۲۸

و معنای این آیه این است که «هان ای مردم، پیغمبری از جنس خود شما مردم بیامده که از اوصافش یکی این است که از خسارت دیدن شما و از نابودشدنتان ناراحت می شود و دیگر اینکه او در خیرخواهی و نجات شما مومنان و چه غیرمومنان حریص است سوم اینکه اونسبت بخصوص به مومنین رئوف و مهربان است و با اینکه این چنین است آیا باز هم جا دارد که از او سربپیچد.»^۲

این که: به جای «منکم» در این آیه از «أَنْفُسِكُمْ» استفاده شده است اشاره به شدت ارتباط پیامبر(ص) با مردم است، گویی پاره ای از جان مردم، و از روح جامعه در شکل پیامبر(ص) ظاهر شده است. به همین دلیل، تمام دردهای آنها را می داند، از مشکلات آنان آگاه است، و در ناراحتی ها و غم ها و اندوه ها با آنان شریک می باشد، و با این حال تصور نمی شود سخنی جز به نفع آنها بگوید، و گامی جز در راه آنها بردارد، و این درواقع نخستین وصفی است که در آیه فوق، برای پیامبر(ص) ذکر شده است.^۳

برخورد سیاسی

شدت عمل در برابر پیمان شکنان

(إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ)

به یقین، بدترین جنبنندگان نزد خدا، کسانی هستند، که کافر شدند و ایمان نمی آورند،

^۱ تفسیر نمونه/ ج ۱۲/ ۲۸۳، ۲۸۲

^۲ تفسیر المیزان/ ج ۱۸/ ص ۳۶۲

^۳ تفسیر نمونه/ ج ۸/ ص ۲۸۵

همان کسانی که با آنها پیمان بست، سپس هربار عهد و پیمان خود را شکستند و) از ایمان شکنی و خیانت) پرهیز ندارند.

این دو آیه در رابطه با چندباری ست، که پیامبر(ص) با یهودیان پیمان بستند و آنان پیمان خود را شکستند. پیمان پیامبر(ص) با یهودیان این بود که به مشرکان کمک نکنند و در صد آزار مسلمانان برنمایند، ولی یهودیان پیمان را شکستند و در جنگ خندق به مشرکان اسلحه فروخته و آنان را یاری کردند این آیات، روش محکمی را که پیامبر با این گروه پیمان شکن، باید در پیش بگیرد، بیان می کند روشی که مایه ی عبرت دیگران و رفع خطر این گروه گردد. نخست آنها را بی ارزش ترین موجودات زنده ی این جهان معرفی کرده و می گوید: «بدترین جنبنندگان نزد خدا کسانی هستند که راه کفر پیش گرفتند و همچنان به آن ادامه می دهند و هیچ روی ایمان نمی آورند (إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ).

تعبیر به « الَّذِينَ كَفَرُوا » شاید اشاره به این باشد که بسیاری از یهود مدینه قبل از ظهور پیامبر اسلام طبق آنچه در کتب خود دیده بودند نسبت به او اظهار علاقه و ایمان می کردند ولی پس از ظهورش چون منافع مادی خویش را در خطر دیدند به کفر گرائیدند و آن چنان در این راه سرسختی نشان دادند که هیچ امیدی به ایمان آنها نبود که قرآن میگوید: « فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ »

تعبیر به يَنْقُضُونَ و لَا يَتَّقُونَ که فعل مضارع است و دلالت بر استمرار دارد و همچنین تعبیر به « فِي كُلِّ مَرَّةٍ » دلیل بر این می باشد که آنها کراراً پیمان خود را با پیامبر (ص) شکستند.

در آیه ی بعد طرز برخورد با این گروه پیمان شکن، بی ایمان و لجوج را چنین بیان می کند « که اگر آنها را در میدان جنگ بیابی، اسلحه به دست گیرند و در برابر تو بایستند آن چنان آنها در هم بکوب که جمعیت هایی که پشت سر آنها قرار دارند عبرت گیرند، پراکنده شوند و عرض اندام نکنند (فَأَمَّا تَتَّقْنَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ)^۱

این دستور به خاطر آن است که: دشمنان و حتی دشمنان آینده عبرت گیرند و از دست زدن به جنگ خودداری کنند و همچنین آنها که با مسلمانان پیمانی دارند و یا در آینده پیمانی خواهند بست از نقض پیمان خودداری کنند و «شاید همگی متذکر شوند» لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ^۱

در آیه بعد می افزاید «و اگر آنها در برابر تو در میدان حاضر نشده اند ولی قرائن و نشانه هایی از آنها ظاهر شده است که در صدد پیمان شکنی هستند و بیم آن میرود که دست به خیانت بزنند و پیمان خود را بدون اعلام قبلی یک جانبه نقض کنند، تو پیش دستی کن و به آنها اعلام نما که پیمانشان لغو است.» (وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ)^۲

مبادا بدون اعلام الفاء پیمانشان به آنها حمله کنی (زیرا خداوند، خائنان و کسانی که در پیمان خویش، راه خیانت در پیش می گیرند دوست نمی دارد (إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ))^۳

این اعلام کردن به معنای یک روش واضح، بی پیرایه و خالی از هرگونه خدعه و نیرنگ است.^۴

^۱ انفال ۵۷

^۲ انفال ۵۸

^۳ انفال ۵۸

^۴ تفسیر نور، ج ۴، ص ۳۴۷، تفسیر نمونه ج ۷، ص ۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۷

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه، خطبه ی ۲۱
- ۳- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ سیو پنجم- ۱۳۹۲
ج ۳، ج ۷، ج ۸، ج ۱۲، ج ۱۵، ج ۱۸، ج ۲۴، ج ۲۵
- ۴- طبابایی، محمد حسین، تفسیرالمیزان، انتشارات دارالفکر، ج ۷، ج ۱۷، ج ۱۸، ج ۲۵، ج ۲۶،
ج ۳۰، ج ۳۷، ج ۳۹
- ۵- قرائتی، محسن، تفسیر نور، انتشارات مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ هشتم- بهار
۱۳۹۳
- ۶- بانو مجتهدہ ی امین، تفسیر مخزن العرفان، انتشارات نشاط اصفهان
- ۷- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار
- ۸- جوادی آملی، سیره رسول اکرم(ص) در قرآن، انتشارات اسراء- ۱۳۷۹، ج ۸، ج ۹
- ۹- مقاله: شخصیت پیامبر اعظم از منظر نهج البلاغه، عبدالمجید زهادت، پژوهشنامه ی حکمت
و فلسفه ی اسلامی، شماره ۲۰- زمستان ۱۳۸۵
- ۱۰- مقاله: شخصیت پیامبر اکرم(ص) در قرآن کریم، حسن عرفان، مجله ی مبلغان فقه و
اصول شماره ۱۴۸- بهمن ۱۳۹۰